



علم مطلق بشر به غیب ناممکن است/ اطلاع غیبی معصومین(ع) با اذن الهی

انتظار ما از این که علم امام(ع) مطلق یا بی‌نهایت باشد، چندان قابل قبول نیست و این مقوله با آیاتی از قرآن کریم که علم غیب را تنها در خدا منحصر می‌داند، در تناقض است؛ علم غیب به طور مطلق تنها از آن خدا است و خداوند بخشی از آن را به صلاح‌دید خود به انسان‌ها وحی می‌کند.

انتظار ما از این که علم امام(ع) مطلق یا بی‌نهایت باشد، چندان قابل قبول نیست و این مقوله با آیاتی از قرآن کریم که علم غیب را تنها در خدا منحصر می‌داند، در تناقض است؛ علم غیب به طور مطلق تنها از آن خدا است و خداوند بخشی از آن را به صلاح‌دید خود به انسان‌ها وحی می‌کند.

مژگان سرشار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن(ایکنا)، به بیان مسائلی در باب علم امام پرداخت و در این رابطه گفت: شاید بتوان ادعا کرد که امام معصوم(ع) در ارتباط با مسائل شرعی و عملی، به آیات و احکام علم تام و تمام دارد که در روایات تفسیری و جز آن، داشتن علم از سوی امام شرط نخست و فراگیر مطرح شده است. در خصوص این مطلب، باید به صحت روایات موجود در این رابطه توجه ویژه داشت.

وی افزود: درباره قسم دوم روایات تفسیری که روایات غیرفقهی است، تا جایی که مربوط به علم بشری و فهم کلام الله باشد، امام معصوم(ع) که مصداق «مطهرون است، علم تام دارد؛ هم چنان که پیامبر(ص) بهترین و کامل‌ترین منبع در این زمینه به شمار می‌رود. درباره دانش امامان و پیامبر اکرم(ص) به روایات صحیحی که در گزیده کافی جلد اول حدیث شماره 90 و 91 آمده، از ابوجعفر باقر(ع) نقل شده که فرمود خداوند دو نوع علم دارد؛ علمی منتشر و علمی پنهان که علم منتشر در اختیار رسولان و فرشتگان است.

سرشار ادامه داد: نیز می‌دانیم ابو جعفر باقر(ع) می‌گوید: علم پنهان همان علمی است که نزد خداست و سرچشمه همه علوم است و زمانی که بر صفحه دفتر آفرینش ثبت و ظاهر شود، به وسیله فرشتگان و رسولان جامعه عمل می‌پوشد و حتی نقل شده است که امام باقر(ع) فرمود: خدا دو نوع علم دارد؛ علمی که جز خدا نداند و علمی که به فرشتگان و رسولان آموخته است و آنچه را که به فرشتگان و رسولان آموخته است، همان علم امام است.

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد واحد علوم و تحقیقات افزود: ذکر این نکته ضروری است که انتظار ما از اینکه حوزه علم امام مطلق یا بی‌نهایت باشد، چندان قابل قبول نیست و این مقوله نه تنها با آیاتی از قرآن کریم که علم غیب را تنها در خدا منحصر می‌داند، در تناقض است، بلکه با روایات صحیح هم در تعارض است؛ مثلاً در قرآن آمده است «وَلِلّٰهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... و نهان آسمان‌ها و زمین از آن خداست»(هود/123) و نیز در سوره نحل آیه 77 هم این تعبیر به کار رفته است و در سوره یونس آمده است: «...فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلّٰهِ... بگو غیب فقط به خدا اختصاص دارد»(یونس/20).

وی گفت: این آیات با اسلوب حصری که دارند، نشان می‌دهند که علم غیب به طور مطلق تنها از آن خدا است، اما خداوند از این علم غیب، بخشی را به صلاح‌دید خود به کسانی که صلاح بدانند، وحی می‌کند، چنان‌که می‌فرماید: «...ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ... این [جمله] از اخبار غیب است که به تو وحی می‌کنیم»(آل عمران/44) و در سوره یوسف آیه 102 نیز همین تعبیر تکرار شده است و در جایی دیگر می‌فرماید: «...تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ... این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم»(هود/49). بنابراین بخشی از علم غیب وجود دارد که قابل وحی به گروه خاصی است.

نویسنده کتاب «ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها؛ تقابل در قرآن» در ادامه گفت: در حدیثی راجع به طومار علم غیب در کتاب «گزیده کافی»، جلد اول حدیث شماره 92، روایتی ذکر شده است که يك شخص ایرانی از امام ابوالحسن الرضا(ع) پرسید که آیا شما از غیب با خبر هستید و ابوالحسن(ع) به ایشان فرمود: جدم ابوجعفر باقر(ع) در پاسخ به این سوال گفت که گاه طومار علم غیب در برابر ما باز می‌شود و مطلع می‌شویم و چون طومار علم غیب را از برابر ما ببرند، چیزی نمی‌دانیم؛ این گونه علم غیب سر الهی است که خدا با جبرائیل و جبرائیل با محمد رسول خدا(ص) و رسول خدا(ص) با آن افرادی که خدا خواسته، در میان نهاده است.

مژگان سرشار:

ذکر این نکته ضروری است که ما انتظار داریم حوزه علم امام مطلق یا بی نهایت باشد، چندان قابل قبول نیست نه تنها با آیاتی از قرآن که علم غیب را تنها در خدا منحصر می‌داند سازگاری ندارد.

این پژوهشگر علوم حدیث افزود: از روایت گزیده کافی شاید بتوان مطلب را این‌گونه تصور کرد که حوادث پشت پرده و سایر علوم غیبی به صورت نقاشی یا شبه فیلم به رسول خدا(ص) و امامان معصوم(ع) ظاهر می‌شد؛ در این صورت طبیعی است که هرگاه صلاح حق تعالی باشد، علم غیب در اختیار آن‌ها قرار بگیرد و هرگاه صلاح نباشد، بی‌اطلاع بماند و لذا است که می‌بینیم امامان گاهی از حوادث غیبی اطلاع می‌دادند و گاهی هم اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند.

وی ادامه داد: اما نتیجه سخن به طور کلی این‌که اگر قرار باشد برای فهم آیات قرآن امام معصوم(ع) از دانش خودش استفاده بکند، تا جایی که مربوط به آیات و احکام است، امام باید علم لازم را داشته باشد، چنان‌که این علم وجود برای حضرات معصومین(ع) وجود دارد، زیرا در غیر این صورت، امامت آنان زیر سوال می‌رود. اگر روایات تفسیری مربوط به سایر آیات باشد و صد در صد اثبات بشود که امام معصوم(ع) آن را گفته است، می‌توان با توجه به طومار علم غیب به دانش امام در این زمینه هم اعتماد کرد.

سرشار گفت: چون نمی‌شود ادعا کرد که فهم آیات قرآن که برای هدایت بشر تدوین شده، از اموری است که به عنوان علم غیب مطلق تنها و تنها نزد خدا باقی بماند و خدا آن را به کسی افاضه نکند. همچنین از سوی دیگر نمی‌توان ادعا کرد که تمام مراد الهی درباره همه آیات قرآن و سایر امور زندگی در روایات تفسیری موجود به نقل از امامان(ع) آمده است. در همین حدی که موجود است، اگر ثابت شود که از ناحیه معصوم(ع) صادر شده است، حیطه دانش امام مستعد و شامل آن خواهد شد.

وی در پایان گفت: از دیگر سو، بسیاری از دانش‌های امام معصوم(ع) وجود دارد که در حیطه تفسیر نیست و ما هم انتظار نداریم در حیطه تفسیری، آن‌ها را بخوانیم؛ همان طور که منتظر نیستیم که همه امور غیبی به طور مطلق در اختیار امام معصوم(ع) باشد.